

## A Comparative Review of Persian and English Translation of Verse 80 of Sura Kahf with an Emphasis on the Word "Khashiat" and its Jurisprudential Impacts

## نقد تطبیقی مفهوم «خشیت» در آیه ۸۰ سوره کهف براساس ترجمه‌های فارسی و انگلیسی و آثار فقهی آن

A. Salahshoor<sup>1\*</sup>

علی سلحشور<sup>۱\*</sup>

1. Assistant Professor, Department of Maaref, Faculty of Humanities and Social Sciences, Kurdistan University, Sanandaj, Iran.

۱. استادیار گروه معارف، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

Received Date: 2019/2/26

دریافت مقاله: ۹۷/۱۲/۷

Accepted Date: 2019/3/16

پذیرش مقاله: ۹۷/۱۲/۲۵

### Abstract

The translation of the Qur'an into various languages for the understanding of its teachings is firstly allowed and secondly necessary - conditional on observance of the rules of translation. To provide accurate translations, familiarity with theology, jurisprudence, Quranic sciences, Arabic commentary and literature, and a number of other literary and Islamic sciences is necessary. Because there is a close relationship between the translation of the Qur'an and jurisprudential laws, the translator must be careful in choosing the words and finding the vocabulary and combinations of the target language, and paying attention to the conceptual meaning of the words in order to better understand the verses as God's purpose has been reflected.

One of the Quranic science is to understand Mojmalat and their reasons.

Homonyms are one of the most common reasons of Ejmal. In order to find equivalents for homonyms, the translator has to choose the correct meaning considering the attached evidence, the style and other verses related to the subject of the verse.

One of these homonyms is the word "khashiat," which implies two opposing meanings of doubt and certainty.

This study, reviewing 53 Persian and 10 English translations from ۸۰ verses of Kahf, regarding the interpretation of the murder of a young boy by the Prophet Khezr, while pointing out the views of the commentators, has shown which of the meanings of Khashiat is correct.

**Key words:** Quran, translation, khashiat, Homonyms, jurisprudence.

### چکیده

ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف برای فهم معارف آن، مشروط به رعایت آداب ترجمه، لازم و مجاز است. برای ارائه ترجمه دقیق، آشنایی با دانش‌های کلام، فقه، علوم قرآنی، تفسیر و ادبیات عرب و علوم ادبی و اسلامی دیگری ضروری است. از آنجا که بین ترجمه قرآن و احکام فقهی رابطه تنگاتنگ و متقابل وجود دارد، بایستی مترجم در گزینش الفاظ و یافتن واژگان و ترکیبات زبان مقصد، دقت داشته باشد و به بار مفهومی الفاظ توجه نماید تا بتواند هرچه بهتر مراد آیات را همانگونه که مقصود خداوند بوده است، منعکس کند. اشتراک لفظی یکی از شایع‌ترین اسباب اجمال است. مترجم بایستی در معادل سازی واژگان مشترک لفظی با توجه به قرائن متصل، سیاق و قرائن لفظی برون‌یافت آیات، از بین چند معنای مشترک در لفظ، معنای صحیح را برگزیند. یکی از واژگان مشترک لفظی «خشیت» است که متبادر کننده دو معنای متضاد شک و یقین است. در صورت انتخاب واژگانی در ازاء واژه خشیت که تداعی‌گر معنای شک هستند، شائبه‌هایی مانند عقاب پیش از ارتکاب جرم - که عقلا و شرعا قبیح است - ایجاد می‌شود. این پژوهش با بررسی و نقد ۵۳ ترجمه فارسی و ۱۰ ترجمه انگلیسی قرآن از آیه ۸۰ سوره کهف که درباره تأویل قتل نوجوانی به دست حضرت خضر(ع) است، ضمن ذکر دیدگاه مفسران، نشان داده است که کدامیک از معانی خشیت در این آیه، صحیح است و اینکه اکثر مترجمان در ترجمه این واژه، دقت لازم را نداشته‌اند.

**کلید واژه‌ها:** قرآن؛ ترجمه؛ خشیت؛ مشترک لفظی؛ فقه

**Email:** salahshoor110ac@yahoo.com

\* نویسنده مسئول:

## مقدمه

مطابق عقیده عالمان اسلامی قرآن کریم معجزه جاویدان نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و کتاب راهنمایی و سعادت بشر در همه دوران‌ها و برای همه ابناء بشر است. قرآن از عصر نزول تا کنون هزاران بار توسط اندیشمندان ترجمه و تفسیر شده است و مطابق تتبع مصطفی صادق الرافعی از آغاز نگارش تا کنون، در تاریخ هیچ کتابی را نمی‌توان یافت که به اندازه قرآن درباره‌اش تفسیر و شرح نگاشته شده باشد. وی یکی از جهات اعجاز قرآن را همین اعجاز معنوی و گستردگی مفاهیم برشمرده است (الرافعی، ۱۴۲۱ق: ۴). هرچند در خصوص «ترجمه»، کتاب مقدس مسیحیان تا کنون به ۲۵۴۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده است در حالی که تعداد ترجمه‌های قرآن به زبان‌های دیگر فقط به حدود ۱۵۰ زبان می‌رسد. بر اساس آمار موسسه ترجمان وحی تا کنون شش هزار ترجمه از قرآن کریم به قریب ۱۵۰ زبان زنده دنیا (مطابق جدول شماره یک) انجام گرفته است.

جدول ۱، تعداد ترجمه‌های قرآن به زبانهای زنده دنیا

ردیف	منطقه	تعداد زبان‌های ترجمه شده	تعداد ترجمه‌ها
۱	زبان‌های آسیایی	۶۴	۸۳۰
۲	زبان‌های اروپایی	۳۴	۳۷۹
۳	زبان‌های آفریقایی	۴۱	۶۴
۴	زبان‌های اقیانوسیه	۳	۳
۵	زبان‌های آمریکای مرکزی و جنوبی	۲	۲
۶	زبان‌های مصنوعی (اسیراتو)	۱	۱
جمع	۶	۱۴۵	۱۲۷۹

بیشترین تعداد ترجمه‌های قرآن کریم به ترتیب به زبان‌های فارسی و انگلیسی بوده است و تا کنون ۱۷۵ بار به زبان فارسی و ۱۵۷ بار به زبان انگلیسی ترجمه شده است ([www.cthq.ir](http://www.cthq.ir)). صرف نظر از ادله متکلمان مسلمان و قرآن پژوهان درباره مبانی فقهی و مبانی کلامی جواز ترجمه یا عدم آن، جمهور عالمان بر جواز ترجمه قرآن با قید رعایت آداب و فنون ترجمه مشروط به عدم ادعای این‌همانی ترجمه با متن قرآن تصریح کرده‌اند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۹۲ و ۱۴۸) ابوالقاسم پاینده با ذکر چندین نمونه در مقدمه ترجمه خود می‌گوید فقه و ترجمه قرآن دارای رابطه‌ای مستقیم‌اند؛ چرا که بسیاری از آیات قرآن بیان‌کننده احکام فقهی است. (پاینده، ۱۳۷۵: ۳۰-۳۲). لذا لازم است مترجم قرآن با عموم دانش‌های اسلامی از قبیل کلام، فقه، تفسیر، حدیث، ادبیات عرب و ... آشنا باشد. پژوهش حاضر به

روش تطبیقی به بررسی ترجمه یکی از آیات سوره مبارکه «الکھف» که درباره بیان و تأویل قتل نوجوانی به دست حضرت خضر(ع) است در بین ۵۳ ترجمه فارسی و ۱۰ ترجمه انگلیسی با تأکید بر ترجمه واژه «خشینا» که از مشترکات لفظی است پرداخته است.

#### مفهوم شناسی ترجمه

درباره ریشه این واژه دیدگاه لغویون مختلف است. راغب اصفهانی الرجام را به معنای سنگ و ریشه آن را «رجم» به معنای «سنگ پراکنی» و ترجمان را نیز از همین ماده دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲ق: ۱۹۷). در مقایسه اللغه هم آمده که اصل آن در معنای سنگ انداختن است (احمد بن فارس، ۱۴۲۲: ۴۲۳) برخی ترجمه را رباعی دانسته و ریشه آن را «ترجم» و به معنای روشن و آشکار کردن ذکر کرده‌اند (القیومی، ۱۹۸۷م، ج ۱: ۹۲). گروهی ترجمه را از واژگان دخیل در زبان عربی دانسته و آن را برگرفته از واژه «ترگوم» در زبان آرامی و یا واژه «ترگمانا» در زبان سریانی دانسته‌اند (مصاحب، ۱۳۸۰: ۶۳۳). برخی هم آن را از ریشه «ترزبان» فارسی برشمرده‌اند (رامپوری، ۱۳۶۳ش: ۵۵۸).

درباره معنای اصطلاحی این واژه نیز مباحث مفصلی از سوی اندیشمندان این حوزه همچون: محمد هادی معرفت در «التفسیر و المفسرون»، جواد سلماسی زاده در «تاریخ ترجمه قرآن در جهان»، علی نجار در «اصول و مبانی ترجمه قرآن»، طاهره صفار زاده در «اصول و مبانی ترجمه» و به نقل از یوجین نایدا سرپرست ترجمه عهدین به زبانهای دنیا، آمپارو هورتا و نیز رایین ذکر شده در «فصلنامه ترجمه، شماره ۲» مطرح شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۲۸). لکن معنای اصطلاحی مورد نظر نگارنده که می‌توان آن را جامع تعاریف و مبنای این پژوهش تلقی کرد چنین است: «ترجمه عبارت است از برگرداندن مفاهیم متنی از زبانی به زبان دیگر، به گونه‌ای که ترجمه ارائه شده علاوه بر رعایت اصل امانت، منعکس کنند همان مفهوم و محتوای مورد نظر گوینده یا نویسنده در زبان مبدأ باشد». در مبحث ترجمه و روش‌های آن، دسته‌بندی‌هایی وجود دارد که خارج از بحث مقاله است.

#### رابطه دانش فقه و ترجمه قرآن

در قرآن کریم بیش از ۵۰۰ آیه به شکل مستقیم در موضوع قوانین و احکام اسلامی (آیات الأحکام) وجود دارد و بسیاری آیات دیگر نیز به نوعی - هرچند به شکل غیرمستقیم - در ارتباط با موضوعات فقهی هستند؛ لذا لازم است مترجم قرآن با دانش فقه نیز آشنا باشد تا در مواقع لزوم از آن بهره گیرد و بخصوص در ترجمه آیات الأحکام راه به خطا نبرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۲۱۹). اگر مترجم در

برگرداندن مفاهیم واژگان، مباحث فقهی را در نظر نگیرد و یا در مجملات قرآن از جمله انتخاب یا ترجیح معنای مطابق مراد گوینده در مشترکات لفظی و یا ارجاع ضمائر به مرجع صالح در موارد اختلاف مرجع ضمیر، دچار خطا خواهد شد. نظیر همین ارتباط بین ترجمه و علم کلام نیز کاملاً برقرار است.

#### اجمال و اشتراک لفظی و رابطه آن با ترجمه

یکی از دانش‌های قرآنی مبحث مجمل و مبین است. در تعریف اجمال آورده‌اند «هو ما لم تتضح دلالت» یعنی چیزی که دلالتش روشن نباشد (الحفناوی، ۱۴۱۲: ۱۲). نظیر همین تعریف را سیوطی نیز بیان کرده است (السیوطی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۱). در اصطلاح مراد از مجمل لفظ یا عباراتی از قرآن را گویند که دلالتش روشن نیست و به وضوح و قطعیت نمی‌توان مراد اصلی کلام خدا را دانست. «بزدوی» می‌گوید: مجمل، لفظی را گویند که تعدادی معانی در آن جمع شده و مراد از آن مشتبه گردیده باشد به نحوی که با مراجعه به خود عبارت، مراد از آن دانسته نشود مگر با استفسار، طلب و دقت نظر (العک، ۱۴۱۴ق: ۳۵۲). اجمال اسبابی دارد که در کتب علوم قرآنی به تفصیل بیان شده است. یکی از سبب‌های اجمال در قرآن «اشتراک لفظی» است.

به نظر سید کمال حیدری اشتراک لفظی آنست که معنای حقیقی یک لفظ - نه معنای مجازی - در یک زبان متعدد باشد (حیدری، ۱۳۸۲ش: ۳۷). پس مشترک لفظی یعنی واژه‌ای بیش از یک معنا داشته باشد و گوینده منحصرأ یکی از آن معانی را اراده کرده باشد. حال بین این چند معنا ممکن است ارتباط خاصی از جمله تضاد دیده نشود و نیز ممکن است بین دو معنای لفظ رابطه ضدیت باشد که در صورت دوم، این واژگان را اضداد نامیده‌اند. کتابهای متعددی نیز در موضوع مشترکات لفظی و واژگان اضداد تألیف شده‌اند. چنانکه شش تن از نویسندگان به نام‌های: ابن الشجری، اصمعی، مبرد، ابی اسحق، ازدی و الکیشی با عنوان یکسان «ماتفق لفظه و اختلف معناه» دست به تألیف زده‌اند. همچنین کتاب‌های تأویل مشکل القرآن از ابن قتیبه و معترک الأقران از سیوطی و نیز معاجم متعددی - بالغ بر ۲۵ معجم - با عنوان «الأضداد» از عالمان لغت و تفسیر از متقدمان تا معاصران در خصوص شرح واژگان اضداد تألیف شده است. نکته دیگر اینکه اگر گفته شود، ذکر معنای صحیح الفاظ و شرح و توضیح آنها ذیل عنوان تفسیر قرار می‌گیرد، نه ترجمه، این سخن صائبی نیست. چراکه همانگونه که در معنای اصطلاحی ترجمه گذشت، مترجم بایستی معنای مورد نظر گوینده یا نویسنده در زبان مبدأ را مطابق مراد وی انتقال دهد. لذا در مواجهه با مشترکات لفظی نیز بایستی واژه‌ای را برگزیند که وافی مقصود باشد. مثلاً در ترجمه آیه «مالک

یوم الدین» با توجه به اینکه «دین» مشترک لفظی است و دارای معانی «حساب و جزاء» و نیز «کیش و آئین» است، لکن تا کنون هیچ مترجمی، معنای کیش و آئین را در ازاء واژه «دین» قرار نداده است و تمامی مترجمان معنای دیگر دین (حساب و جزاء) را برگزیده‌اند. این در حالی است که تبادر اولیه واژه دین، کیش و آئین است. بنابر آنچه گفته شد در هنگام مواجه مترجم با مشترکات لفظی، لازم است از بین معانی این الفاظ، معنایی را برگزینند، که باب ورود شبهات را باز نکند. چنانچه در مقاله حاضر بیان خواهد شد، در آیه مورد بحث، انتخاب یکی از معانی، شبهاتی را ایجاد می‌کند و انتخاب معانی دیگر رافع شبهه است.

#### مفهوم شناسی واژه «خشیت»

واژه «خشیت» از ریشه «خشی» به همراه مشتقات آن - در ۱۶ ساخت مختلف - مجموعاً ۴۸ بار در قرآن کریم به کار رفته است (فؤاد عبد الباقي، ۱۳۹۱: ۳۱۲). احمد بن فارس گفته است اصل این واژه دلالت دارد بر خوف و دُعر (ترس). وی همچنین می‌گوید این واژه در معنای دانستن نیز بکار می‌رود و به این شعر استدلال نموده است: «و لقد خشیت بأن من اتبع الهدی سكن الجنان مع النبی محمد» (احمد بن فارس، ۱۴۲۲: ۲۹۹) یعنی: به یقین «دانستم» هرکسی پیرو راه هدایت باشد، سکونت گاهش در بهشت و در جوار نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) خواهد بود. روشن است که معنای خشیت در این شعر ابدأ ترس و بیم نیست بلکه مقصود شاعر حصول علم است. راغب اصفهانی در معنای آن می‌گوید بیم و خوفی که با تعظیم و بزرگداشت همراه باشد و غالباً از علم و آگاهی ناشی می‌شود (راغب، ۱۴۲۲ق: ۱۵۵) در کتب وجوه و نظائر نیز همین معانی برای خشیت ذکر شده است. کاربرد واژه خشیت در فرهنگ قرآنی تقریباً در تمام موارد ترس همراه با تعظیم و علم است. اما از آنجا که این واژه مشترک لفظی و از قسم واژگان اضداد دانسته شده است (ابن قتیبه، ۱۴۲۳: ۱۲۱) کاربرد این واژه در دو معنا که رابطه عکس دارند، مسلم است. یکی ترس که حاوی معنای تردید و احتمال است و دیگری علم که حاوی معنای حصول و دانستن است که به قید احتمال توصیف نمی‌شود. یعنی متضمن دو معنای شک و یقین است.

معنای خشیت در آیه «و أمّا الغلامُ فکانت أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما طغیاناً و کُفراً» (الکھف:

این آیه در سوره کهف و در میانه ماجرای رویارویی موسی و خضر (علیهما السلام) آمده است. پس از آنکه حضرت موسی بر خلاف تعهدی که به حضرت حضر مبنی بر سکوت و عدم دخالت در امور داده بود برای بار سوم به کارهای خضر اعتراض کرد و ایشان به جدایی موسی فرمان داد: «قال هذا فراق بینی و بینک» (الکهف: ۷۸)، به او گفت که تأویل کارهای خود را بیان خواهد کرد: «سَأَنْبُئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (الکهف: ۷۸) و پس از بیان تأویل ماجرای شکافتن کشتی، تأویل قتل آن نوجوان را در ضمن دو آیه ۸۰ و ۸۱ برای موسی تشریح کرد. در تفسیر المنیر آمده است که نام آن جوان «شمعون» یا «حیشور» بود وی به سن بلوغ رسیده و کافر بود. خداوند از عاقبت کار او آگاه بود که او با علم تفصیلی اش، عالم بر احوال است (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۶: ۱۰).

ترجمه آیه ۸۰ سوره کهف توسط مترجمان به دو زبان فارسی و انگلیسی

در ادامه، متن ترجمه شده ی آیه: «وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَتْ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَ كُفْرًا» (الکهف: ۸۰) با استناد به مهم ترین ترجمه های موجود -۵۳ ترجمه فارسی و ۱۰ ترجمه انگلیسی که در دسترس پژوهش گر بود - و با توجه به نوع انتخاب واژه معادل «خشینا» توسط مترجمان، ترجمه ها در چند گروه مجزا ارائه شده است.

گروه اول مترجمانی که یکی از عبارات: ترسیدیم، بیمناک شدیم، باک داشتیم، هراس داشتیم، ترس داشتیم، بیم داشتیم و می ترسیدیم را به عنوان معادل واژه «خشینا» برگزیده اند:

اما آن پسر، پدر و مادرش مؤمن بودند. ترسیدیم که آن دو را به عصیان و کفر دراندازد (آیتی، ۱۳۷۴: ۳۰۲). اما آن پسر، پدر و مادرش مؤمن بودند، ترسیدیم که آن دو را به طغیان و کفر دچار کند (قرشی بنایی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۴۱). و اما آن پسر (کافر بود) پدر و مادر او مؤمن بودند، از آن باک داشتیم که آن پسر آنها را به خوی کفر و طغیان خود درآورد (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰: ۳۰۲). و اما آن کودک، پدر و مادرش مؤمن بودند، پس بیمناک شدیم که آن دو را به طغیان و کفری وادارد (برزی، ۱۳۸۲: ۳۰۲). و اما آن نوجوان، پدر و مادرش هر دو مومن بودند، پس ترسیدیم مبادا آن دو را به طغیان و کفر بکشاند (بهرام پور، ۱۳۸۹: ۳۰۲). اما آن پسر. پدر و مادرش مؤمن بودند، و بیم داشتیم بطغیان و کفر دچارشان کند (پاینده، ۱۳۵۷: ۲۵۱). و اما آن جوان، پدر و مادرش مومن بودند و ما بیمناک شدیم که مبادا کفر و طغیانی بر آنان تحمیل کند (خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۳۰۲). و اما (آن) نوجوان؛ پدر و مادرش مؤمن بودند، پس ترسیدیم (مبادا) آن دو را ناخواسته و به ناچار به طغیان و کفر برکشند (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۳:

۲۰۶). اما آن پسر، پدر و مادرش مؤمن بودند. ترسیدیم که آن دو را به عصیان و کفر دراندازد (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۵: ۲۴۱). و اما آن نوجوان، پس پدر و مادر او مؤمن بودند (و او کافر پیشه بود) پس ترسیدیم که (روی محبت پدر و فرزندی و مادر و فرزندی) آن نوجوان، پدر و مادر خود را وادارد (و به تنگ آرد) به طغیان و کفر (بلاغی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۳۰). و اما پسر جوان (که او را کشتیم برای این کشتیم که کافر بود) و پدر و مادرش مقرر بتوحید و یگانگی خدا بودند و ترسیدیم که او والدین خود را وادار و مکلف بکفر و سرکشی کند (یعنی در اثر محبت بآن پسر پس از ایمان کافر شوند و بعد از هدایت بگمراهی افتند) (خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۳۷۱). اما آن پسر: پدر و مادرش مومن بودند، ترسیدیم که آن دو را به بیراهی و کفر کشانند. (خواجوی ۱۳۶۹: ۱۱۵). و اما [آن] پسر، پس پدر و مادرش با ایمان بودند، و هراس داشتیم که آن دو را به طغیان و کفر وادارد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳: ۳۰۲). و اما نوجوان، پدر و مادرش گرویدگان بودند، پس ترسیدیم که آن دو را طغیان و کفر (فرزند) در بر گیرد (رهنما، ۱۳۵۴، ج ۲: ۵۶۹). و اما پسر پس بودند پدر و مادرش دو مؤمن پس ترسیدیم که بیفکند آن دو را در سرکشی و کفر (تقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۴۴۲). اما غلام، بودند پدر و مادرش مؤمن، ترسیدیم که در ایشان پوشد عصیان و کفر (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۳). و اما پسر پس بود والدینش دو مؤمن پس ترسیدیم که تکلیف کند آن دو را زیاده روی در عصیان و کفر (شعرانی، ۱۳۷۴: ۲۷۹). اما آن نوجوان، پدر و مادرش مؤمن بودند و ما ترسیدیم او با کفر و سرکشی خود، آن دو را در تنگنا قرار دهد و بیازارد (صفوی، ۱۳۸۸: ۳۰۲). و اما پسر پس بودند والدینش دو مؤمن پس ترسیدیم که تکلیف کند آن دو را زیاده روی در عصیان و کفر (صفی علی شاه، ۱۳۷۸: ۴۴۱). و اما آن نوجوان پدر و مادرش مؤمن بودند، و ما بیمناک شدیم که مبادا به سرکشی و کفر وادارد آنان را (صلواتی، ۱۳۸۷: ۳۰۲). و اما آن نوجوان، پدر و مادرش مؤمن بودند و از آن ترس داشتیم که طغیان و انکار را دامنگیر آنان کند (طاهری قزوینی، ۱۳۸۰: ۳۰۲). و اما آن نوجوان، پدر و مادرش هر دو مؤمن بودند، پس ترسیدیم که از راه سرکشی و ناسپاسی آن دو را بسته آورد (فارسی، ۱۳۶۹: ۶۰۵). و اما نوجوان، پدر و مادرش [هر دو] مؤمن بودند، پس ترسیدیم [مبادا] آن دو را به طغیان و کفر بکشند (فولادوند، ۱۴۱۸: ۳۰۲). و آن پسر (که او را کشتیم به کفر سرشته شده و) پدر و مادرش اهل ایمان و گرویده (به خدا و رسول) بودند، پس ترسیدیم (دانستیم اگر آن پسر بماند و کشته شود) پدر و مادر خود را به سرکشی و نگرودن وادار نماید (زیرا ممکن است و می شود که پدر و مادر به مهر فرزند پایند شده به عقیده و باور او درآیند) (فیض الاسلام، ۱۳۸۸: ۵۹۱). و اما آن نوجوان [که او

را کُشتم]، پدر و مادرش هر دو مومن بودند. ترسیدیم که او آن دو را به کفر و طغیان وادارد (قرائتی: ۱۳۸۸، ج ۵: ۲۱۲). و اما آن نوجوان، پدر و مادرش مومن بودند، پس ترسیدیم که آنان را به سرکشی و کفر وادارد (مجتبوی، ۱۳۸۳: ۳۰۲). اما آن نوجوان، پدر و مادرش مؤمن بودند؛ ترسیدیم که آنان را به سرکشی و کفر وادارد (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۳۰۲). و اما آن پسر بچه [که او را کُشتم]، پدر و مادرش مؤمن بودند، ما ترسیدیم آن دو را به طغیان و کفر بکشاند (مرکز فرهنگ و معارف، ۱۳۸۵: ۳۰۲). و اما آن نوجوان (کافر و سرکش بود و) پدر و مادرش مؤمن بودند، پس ترسیدیم که آن دو را به طغیان (در عمل) و کفر (در اعتقاد) وادار نماید (مشکینی، ۱۳۸۱: ۳۰۲). و اما غلام پس بود پدر و مادرش مؤمنان پس ترسیدیم که وادارشان کند به سرکشی و ناسپاسی (مصباح زاده، ۱۳۸۰: ۳۰۲). و اما کودک بودند پدر و مادرش مؤمنان پس ترسیدیم که وادارشان (یا تنگ آوردشان) به سرکشی و ناسپاسی (معزی، ۱۳۷۲: ۳۰۲). و اما آن نوجوان، پدر و مادرش با ایمان بودند؛ و بیم داشتیم که آنان را به طغیان و کفر وادارد! (مکارم، ۱۳۷۳: ۳۰۲). (اما سبب قتل) آن پسر این بود پدر و مادر او هر دو مؤمن بودند از آن باک داشتیم که اگر آن جوان زنده بماند از طغیان و کفر او بلا و ضرری به پدر و مادرش برسد (از این جهت به امر الهی او را به قتل رسانیدیم) (نوبری، ۱۳۹۶، ج ۱: ۲۶۶). و اما پسری را که کُشتم پدر و مادر او هر دو مؤمن بودند ترسیدیم که وادار نماید این پسر، پدر و مادرش را به سرکشی و کفر یا بکشد ایشان را به سبب طغیان و کفر خود؛ چون چنین در عاقبت آن پسر می‌دیدم او را کُشتم (یاسری، ۱۴۱۵: ۳۰۲). و اما آن کودک (که او را کُشتم) پدر و مادرش با ایمان بودند (و اگر زنده می‌ماند) می‌ترسیدیم که سرکشی و کفر را بدانان تحمیل کند (و ایشان را از راه بیرد) (خرم دل، ۱۳۸۴: ۶۰۷). و اما پسر، پس بود پدر و مادر او گروندگان پس ترسیدیم که رساند آن دو را گذشتنی از اندازه و ناگروندگی. (ناشناس، ۱۳۸۳: ۲۵۶). [و] اما برنا او را مادر و پدری بودند با ایمان، ترسیدیم که در افکندشان به کفر و طغیان (نسفی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۵۶۸)

گروه دوم مترجمانی که واژه «خشینا» را به شکل متکلم وحده و با استفاده از واژگان ترسیدم، بیم داشتم، باک داشتم ترجمه کرده‌اند:

اما آن پسر، پدر و مادرش با ایمان بودند. ترسیدم به طغیان و کفر دچارشان کند (ارفع، ۱۳۸۱: ۳۰۲). و اما [آن] نوجوان [که او را کُشتم]، پدر و مادرش مؤمن بودند، پس ترسیدم که آن دو را [در آینده] به طغیان و کفر بکشاند (انصاریان، ۱۳۸۳: ۳۰۲). اما آن پسر، پدر و مادرش با ایمان بودند، ترسیدم که آن

دو را به طغیان و کفر وادارد (پورجوادی، ۱۴۱۴: ۳۰۱). اما آن پسر، پدر و مادرش مؤمن بودند ترسیدم به طغیان و انکار دچارشان کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۴۶۸). و اما آن غلام پدر و مادر او مؤمن بودند از آن باک داشتیم که آن پسر آن‌ها را به خوی کفر و طغیان خود در آورد (سلطان علی‌شاه، ۱۳۷۲، ج ۸: ۴۲۵). آن پسر هم پدر و مادرش مؤمن بودند و از آن بیم داشتیم که آنها را به کفر و طغیان بکشاند. (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۸). و اما آن پسر (که وی را کشتیم) بودند پدر و مادرش مؤمن پس ترسیدم که هلاک کند آنها را از نظر سرکشی و کفری که دارد (سراج، ۱۳۹۰: ۳۰۲). و داستان آن پسر چنین بود که پدر و مادرش مؤمن بودند و ترسیدم که او آنها را گرفتار کفر و طغیان کند (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۶: ۵). و اما آن پسر (کافر بود و) پدر و مادر او مؤمن بودند. از آن ترسیدم که پدر و مادرش را بنافرمانی و کفر وادار سازد (کاویان‌پور، ۱۳۷۲: ۳۰۲). و اما آن غلام که بکشتیم، بود مادر و پدر او هر دو گرویده، ترسیدم که بر پوشدشان و اندر افکنده در بی‌راهی و کفر (طبری، ۱۳۵۶، ج ۴: ۹۳۴). و اما آن نوجوان پس بودند پدر و مادر وی مسلمان پس ترسیدم از آنکه غالب آید بر ایشان در سرکشی و کفر (شاه ولی الله، بی‌تا: ۶۵۵). و آن پسری که کشته شد پدر و مادرش مؤمن بوده ولی او کافر شده ترسیدم که پدر و مادر خود را بسرکشی و کفر درآورد (بروجردی، ۱۳۶۶: ۵۲۶).

گروه سوم مترجمانی که واژه نخواستیم را به عنوان معادل «خشینا» برگزیده‌اند: و اما آن نوجوان پدر و مادرش باایمان بودند ما نخواستیم او آنها را به طغیان و کفر وادارد (آدینه وند، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۴). و اما آن نوجوان، پدر و مادرش با ایمان بودند، ما نخواستیم او آنها را به طغیان و کفر وادارد (حجتی، ۱۳۸۴: ۳۰۲).

گروه چهارم مترجمانی که واژه دانستم را به عنوان معادل «خشینا» برگزیده‌اند: و آن پسر را [به امر حق تعالی کشتیم برای اینکه] پدر و مادر او مؤمن بودند و دانستم که [اگر آن پسر بماند] به سبب طغیان و کفرش به پدر و مادرش ضرر می‌رساند مگر آنکه در طغیان و کفر با او سازگار گردند (امین، بی‌تا، ج ۸: ۶۷).

گروه پنجم مترجمانی که واژه دانستیم را به عنوان معادل «خشینا» برگزیده‌اند: و اما آن نوجوان، پدر و مادر وی گرویدگان بودند، دانستیم که اگر آن پسر بماند فرا سر ایشان نشاند، ناپاکی و ناگرویدگی (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۷۱۲).

## ترجمه‌های انگلیسی

قرآن کریم مطابق جدول شماره یک تا کنون ۱۵۷ بار توسط مترجمان مختلف به زبان انگلیسی ترجمه شده است. ترجمه‌های زیر که از اشتهار بیشتری برخوردار هستند مورد مطالعه قرار گرفته‌اند:

**Shakir:** And as for the boy, his parents were believers and we feared lest he should make disobedience and ingratitude to come upon them.(shakir, ۲۰۰۹ : 302 ).

**Irving:** The young man's parents were believers, and we dreaded lest he would burden them with arrogation and disbelief.(Irving, ۱۹۸۵: 302 ). **Saffarzadeh:** " And

for that boy[ who was killed ], his Parents were sincere believers, and I Feared that he might grieve them by Rebellion and disbelief,(Saffarzadeh, ۲۰۰۶: 629). **Qaraei:**

As for the boy, his parents were faithful[ persons ], and We feared he would overwhelm them with rebellion and unfaith.(Qaraei, ۲۰۰۵: 302). **pickthall:** And as

for the lad, his parents were believers and we feared lest he should oppress them by rebellion and disbelief.(Pickthall, ۲۰۰۳: 302). **Muhammad\_Sarwar:** " The young

boy had very faithful parents. We were afraid that out of love for him they would lose their faith in God and commit rebellion(Muhammad\_Sarwar, ۱۹۸۲: 302).

**Muhammad and Samira Ahmad:** And as for the boy/ servant, so his parents were believing, so We feared that he burdens/ oppresses them( with )tyranny/ arrogance and disbelief.(Muhammad and Samira Ahmad, ۱۹۹۹: 302 ). **Progressive\_Muslims:**

And as for the youth, his parents were believers, so we feared that he would oppress them by his transgression and disbelief."(Progressive\_Muslims : 302). **Yusuf ali:** "

As for the youth, his parents were people of faith, and we feared that he would grieve them by obstinate rebellion and ingratitude( to Allah ).(Yusuf ali, ۲۰۱۱: 302).

**Arberry:** As for the lad, his parents were believers; and we were afraid he would impose on them insolence and unbelief(Arberry, ۱۹۹۸: 302).

## معانی خشینا در نگاه مفسران

## در معنای «عَلِمْنَا»

بررسی تعدادی از تفاسیر برجسته نشان می‌دهد که برخی از مفسران، خشینا را در معنای علمنا= (دانستیم) آورده‌اند. در تفسیر مقاتل آمده است: فخشینا یعنی فعلمنا؛ چرا که خشیت مانند خوف، مشترک لفظی

است. و ترس در اینجا به معنای یقین یافتن است. نظیر «خوف» در آیه «و إن امرأت خافت من بعلمها نشوزا...» (النساء: ۲۸) و نیز در آیه «و إن خفتم شقاق بینهما...» (النساء: ۳۵) که هر دو واژه خوف به معنای علم است (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۲: ۵۸۹). علامه طباطبایی نیز با استناد به قرائن معنوی، ترس را از خداوند و بر اساس «لا یخشون أحداً إلا الله» از پیامبران نفی کرده و با توجه به سیاق آیات، معنای فخشینا را «تحذّر» دانسته است. یعنی حذر کردیم که چنین اتفاقی - یعنی - «یُرْهَقُهُمَا طُغْيَانًا وَ كُفْرًا» بیافتد و چنین تحذیری، مؤخر و مبتنی بر علم است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳: ۴۸۲). نظیر این دیدگاه در تفاسیر دیگری نیز بیان شده است: (فراء، ۱۹۸۰، ج ۲: ۱۵۸)؛ (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۱۸۷)؛ (جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۲: ۲۵۵)؛ (الطبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۷۵۳)؛ (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۲۱۰)؛ (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۷۲۴)؛ (لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۹۲۰)؛ (طیب، ۱۳۶۹، ج ۸: ۳۸۹).

#### در معنای «کرهنا»

برخی مفسران خشینا را به معنای کرهنا (=ناخوش داشتیم) دانسته‌اند. به این صورت که خضر با استناد این کراهت به خود و خداوند، در مقام بیان این موضوع است که ما خوش نداشتیم که این نوجوان چنین عاقبتی را تجربه کند و خود و والدینش را به شقاوت و سیه‌رویی ناشی از کفر و طغیان بکشاند. داشتن این تلقی از آیه و حمل معنای خشینا بر کرهنا، مستلزم حصول علم قطعی توسط خضر از عاقبت نوجوان است. یعنی خضر می‌دانست که چنین سرنوشتی در انتظار آن پسر است و وقوع آن را ناخوش می‌داشت. لذا حمل معنای خشینا بر کرهنا، مانند حمل بر علما است و شائبه‌ای در ناحیه عمل متکی بر ظن و گمان ایجاد نمی‌کند. مثلاً در تفسیر اثنی عشری چنین آمده است: «فَخَشِينَا: پس کراهت داشتیم یا دانستیم به اعلام الهی» (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۱۰۱). مفسران دیگری نیز نظیر همین دیدگاه را مطرح نموده‌اند. از جمله: (ابن جزری، ۱۴۱۶، ج ۱: ۴۷۲)؛ (طوسی، بی‌تا، ج ۷: ۸۱)؛ (هواری، ۱۴۲۶، ج ۲: ۴۶۸)؛ (واحدی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۶۶۹)؛ (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۵۰۳)

#### در معنای «أشفقنا»

گروه دیگری از مفسران نیز معانی دیگری را برای فخشینا در نظر گرفته‌اند. یکی از آنها «أشفقنا» است. راغب در معنای إشفاق گفته است: عنایت و محبتی که آمیخته با ترس باشد. مُشْفِقُ کسی است که مُشْفَقٌ علیه را هم دوست دارد و هم بیمناک است که خطری متوجه او گردد (راغب، ۱۴۲۲: ۲۶۷) این معنا نیز با مفهوم یقین سازگار است. زیرا دلسوزی و نگرانی از عاقبت مؤخر از حصول علم است. یعنی

برای خضر بنا بر اعلام الهی، علم حاصل شده بود که عاقبت نوجوان چنین است. سپس در بیان دلیل قتل، دلسوزی و بیمناکی خود را نسبت به مجازات اخروی ناشی از عاقبت کار نوجوان بیان داشته است؛ نه بیمناکی از احتمال وقوع چنین عملی از وی. ابن ابی حاتم در تفسیر خود به نقل از «سدى» معنای فخشینا را فاشفقنا ذکر کرده است (ابن ابی حاتم، ج ۷، ۱۴۱۹: ۲۳۸۰)

#### در معنای «خفنا»

تعدادی از مفسران و اکثریت قریب به اتفاق مترجمان - چنانکه بیانش خواهد آمد - فخشینا را به معنای «خفنا» (= ترسیدیم) دانسته‌اند. برخی مانند زمخشری پس از اینکه این معنا را برای واژه ترجیح می‌دهد، می‌گوید: البته این خشیت و خوف راجع به خضر است، نه خدای متعال؛ چراکه او اعلم به هر سر و خفیه‌ای است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۷۴۱) در تفسیر النهر الماد نیز همین دیدگاه بیان شده و ترس در فعل متکلم مع الغیر، منحصرأ به خضر نسبت داده شده است (ابوحیان، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۶۳)؛ در تفسیر منهج الصادقین نیز هر دو احتمال خفنا و علمنا مطرح شده و مفسر ترس را در فرض ترجیح معنای خفنا به خضر نسبت داده است (کاشانی، بی تا، ج ۵: ۳۶۱) در این تفاسیر برای رفع شبهه قصاص پیش از جنایت و عمل متکی بر گمان، بجای یافتن و گزینش معنای خشیت در بین چند معنای اشتراکی، معنای خفنا ترجیح داده شده و برای رفع شبهه علم الهی، مرجع ضمیر «نا» در «خشینا» - که منطقاً اوصاف فعل جمع، به همه مصادیق آن نسبت داده می‌شود - بین مصادیق ضمیر، تقسیم شده است، که خالی از غموض نیست. در چندین تفسیر نیز فخشینا به معنای خفنا آمده است مانند: روح البیان (حقی، بی تا، ج ۵: ۲۸۵)؛ البحر المحیط (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۷: ۲۱۴)؛ مدارک التنزیل (نسفی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۳۸)؛ روح المعانی (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸: ۳۳۳)؛ مفاتیح الغیب (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱: ۴۹۱)

#### نقد و بررسی

همانطور که گفته شد واژه «فَخَشِينَا» از مشترکات لفظی و حاوی دو معنای متضاد (شک و یقین) است. در صورتی که مترجم آن را بر شک حمل نماید و به صورت: «ترسیدیم که مبدا نوجوان چنان نماید...» ترجمه کرده باشد، این شبهه ایجاد می‌شود که خضر بدون حصول علم و صرفاً با قید این احتمال که شاید آن نوجوان والدین خود را به کفر و طغیان بکشاند، او را به قتل رسانده است و این بر خلاف بسیاری از مبانی اعتقادی و فقهی است. مضافاً اینکه ایراد «عقاب قبل از جنایت» که قباحت آن محملی عقلایی دارد و از نظر فقه کیفری نیز مشروع نیست، بر آن وارد است. به این معنا که بر اساس فقه اسلامی،

وجود عنصر مادی در تحقق جرم ضرورت دارد (مکی عاملی: ۱۳۹۹ق، قسم ۱: ۱۰۷؛ گرجی، ۱۳۷۴: ۲۲۱). اما اگر به مدد علم لدنی خضر، خشینا در معنای دیگر واژه، یعنی حصول علم و یقین ترجمه شود، چنین ابهامی از میان خواهد رفت. نکته دوم که تقویت کننده همین دیدگاه است اینکه فعل به صورت متکلم مع الغیر آمده و ظهور معنای آیه در اینست که خشیت به خداوند و خضر نسبت داده شده است. از طرفی مسلم است که خداوند متعال از هر خشیتی بری است و از سوی دیگر بر اساس آیه «الَّذِينَ يُلِغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (الأحزاب: ۳۹) هر گونه ترس و خشیتی از انبیاء الهی نیز نفی شده است. نکته دیگر اینکه متکلم مع الغیر آمدن فعل و انتساب علم به خضر و خداوند، این شبهه را به ذهن می آورد که علم خضر از آینده - در حالیکه او نیز بنده خداست - ثابت نمی شود. در پاسخ این شبهه نیز به عبارت «و ما فعلتُه عن أمری» (الکهف: ۸۲) می توان استشهاد نمود؛ به این معنا که علم خضر برگرفته از وحی الهی و اعلام و حیانی به او بوده است.

چنانکه ملاحظه می شود در ترجمه های ذکر شده، غالباً خشینا را به معنای «خفتنا» (= ترسیدیم) آورده اند و از واژگانی استفاده کرده اند که تداعی کننده مفهوم شک (عدم حصول علم / عدم یقین) است؛ مانند: (ترسیدیم - بیمناک شدیم - باک داشتیم - هراس داشتیم - ترس داشتیم - بیم داشتیم و می ترسیدیم). مجموعاً ۳۶ مترجم از این واژگان استفاده کرده اند. لذا شبهه عمل متکی بر شک، قصاص (عقاب) پیش از جنایت و نیز انتساب خشیت به خدا و پیامبرش بر این ترجمه ها وارد است. به نظر می رسد این دسته از مترجمان یا به مسأله اشتراک لفظی در کلمه مورد بحث عنایتی نداشته اند و یا در انتخاب واژه، شبهات مقدر ناشی از رویکردهای بازدارنده فقهی و کلامی مترتب بر این شیوه ترجمه را در نظر نگرفته اند. تعدادی از مترجمان با مفرد آوردن واژگانی نظیر (ترسیدم - بیم داشتم - باک داشتم)، سعی کرده اند این ترس و خشیت را از خداوند نفی و به متکلم جمله (خضر) نسبت دهند. اشکالی که بر این شیوه ترجمه ها وارد است بسی بزرگتر از اشکال پیشین به نظر می رسد. زیرا روشن است که در برگرداندن معنای یک فعل متکلم مع الغیر، نمی توان آن را به صورت متکلم وحده درآورد! ضمن اینکه هنوز شبهه عمل متکی بر شک و عقاب قبل از ارتکاب جرم بر این ترجمه ها نیز وارد است. ۱۲ مترجم، آیه را به این صورت ترجمه کرده اند.

محمود یاسری که ترجمه اش به شیوه ترجمه آزاد است، ابتدا از واژه ترسیدیم استفاده کرده است. اما برای رفع شبهه در انتهای آیه به صورت جمله ای توضیحی می نویسد: «چون چنین در عاقبت آن پسر

می‌دیدم، او را کشتم» با این جمله وی سعی کرده هم به متن وفادار بماند و هم شبهه مقدر را از عبارت دفع کند. هرچند انتخاب صحیح یا ترجیح یک معنا در مشترکات لفظی - چنانکه شرح داده شد - نه تنها خدشه‌ای به اصل وفاداری وارد نمی‌کند، بلکه برای انعکاس صحیح مراد گوینده، لازم است.

دو مترجم یعنی آقایان: محمدرضا آدینه و ند لرستانی و مهدی حجتی، واژه «نخواستیم» را معادل خشینا قرار داده‌اند. هرچند باب ورود شبهات مطرح شده در این ترجمه‌ها بسته شده و حصول علم و آگاهی از عاقبت نوجوان در کلمه نخواستیم نهفته است، اما اشکال ترجمه فعل ایجابی به شکل سلبی بر این دو ترجمه وارد است.

نصرت بیگم امین از کلمه «دانستم» استفاده کرده که ترجمه صحیح‌تری به نظر می‌رسد. هرچند اشکال مفرد آوردن فعل متکلم مع الغیر را دارد.

از بین ۵۳ ترجمه بررسی شده، تنها کسی که از واژه «دانستیم» استفاده کرده است، «رشید الدین مبینی» است و به نظر می‌رسد که هیچیک از نقدهای وارد بر سایر ترجمه‌ها را ندارد و در انتخاب معادل خشینا، با دقت بیشتری عمل کرده است.

در ترجمه‌های انگلیسی نیز شکیر، صفارزاده، قرائی، پیکتال، مسلمانان مترقی، یوسف علی، محمد و سمیرا احمد، در ازاء واژه فخشینا از واژه «fear» به معنای ترس استفاده کرده‌اند. نکته دیگر اینکه در ترجمه شکیر، ترکیب «we feared lest» آمده است به معنای آن که «ما ترسیدیم که مبادا...» که شک و تردید بیشتری را منعکس می‌کند. ترجمه آبروینگ از واژه «dread» به معنای ترس و بیم و نهایتاً محمد سرور و آربری نیز ترکیب «We were afraid» به معنای ترس و هراس داشتن را برگزیده‌اند. بنابراین در میان ده ترجمه قرآن به زبان انگلیسی، هیچکدام به حصول علم توسط خضر که آن را برگرفته از وحی الهی و مبنای عمل خود قرار داده بود، توجهی ننموده و صرفاً معنای لغوی «خشیت» را بدون توجه به وجوه مختلف واژه و قرائن متصل لفظی و قرینه‌های برون بافتی بیان کرده‌اند.

#### نتیجه گیری

۱. برای ترجمه قرآن بایستی با علومی از قبیل فقه، کلام، ادبیات عرب و علوم قرآنی کاملاً آشنایی داشت چرا که عدم آشنایی با مبانی و مفاهیم فقهی و کلامی و سایر علوم نامبرده ممکن است سبب ایجاد اشتباهات فاحشی در ترجمه‌ها شده و شائبه‌هایی را به وجود آورد.

۲. در قرآن آیات متعددی از مجملات محسوب می‌شوند که فهم مراد آنها با پیچیدگی‌هایی همراه است. یکی از اسباب اجمال، اشتراک لفظی است. مترجم در انتخاب معنای واژگانی که بیش از یک معنا دارند باید با در نظر داشتن میانی کلامی، فقهی و مباحث ادبی، دقیق عمل کند.
۳. اکثر مفسران بر اساس قرائن متصل، سیاق و قرائن برون‌یافتی و نیز قرائن معنوی، مراد از فَخْشِینَا، در آیه ۸۰ سوره کهف، را فعلنا دانسته‌اند.
۴. اکثر مترجمان در ترجمه این آیه دقت لازم را نداشته‌اند. از مجموع ۶۳ ترجمه بررسی شده، تمام ترجمه‌های انگلیسی و ۴۸ ترجمه فارسی، واژه را در معنای عدم حصول علم ترجمه کرده و شبهات: عقاب پیش از وقوع جرم، انتساب خوف و خشیت به خداوند، انتساب خوف و خشیت به پیامبرش و نیز عمل متکی بر احتمال را ایجاد کرده‌اند. ۴ مترجم با انتخاب واژگانی سعی کرده‌اند این شبهات را از بین ببرند اما مرتکب خطاهای دیگری از جمله ترجمه کردن بر خلاف صیغه فعل شده‌اند و تنها رشید الدین میبیدی در ازاء واژه «خَشِینَا» از کلمه «دانستیم» که بهترین ترجمه محسوب می‌شود استفاده کرده است.

#### منابع

##### قرآن کریم

- آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا. (۱۳۷۷ش). کلمه الله العلیا. تهران: اسوه.
- آلوسی، محمودبن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۷۴ش). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات سروش.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن. (۱۴۱۹ق). تفسیرالقرآن العظیم. ریاض: مکتبه‌نزار مصطفی الباز.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابوحیان، محمدبن یوسف. (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دارالفکر.
- ارفع، کاظم. (۱۳۸۱ش). ترجمه قرآن. تهران: فیض کاشانی.
- الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن. قم: فاطمه الزهراء.
- امین، نصرت‌بیگم. (بی تا). مخزن العرفان در علوم قرآن. [بی جا]: [بی نا].
- انصاریان، حسین. (۱۳۸۳ش). ترجمه قرآن. قم: اسوه.

- برزی، اصغر. (۱۳۸۲ش). ترجمه قرآن و نکات نحوی آن. تهران: بنیاد قرآن.
- بروجردی، محمدابراهیم. (۱۳۶۶ش). ترجمه قرآن. تهران: کتابخانه صدر.
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). معالم التنزیل. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بلاغی، عبدالحجه. (۱۳۸۶ق). حجه التفاسیر و بلاغ الإکسیر. قم: انتشارات حکمت.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۵۷ش). ترجمه قرآن. تهران: جاویدان.
- پورجوادی، کاظم. (۱۴۱۴ق). ترجمه قرآن. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- تقفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۸ق). روان جاوید در تفسیر قرآن مجید. تهران: برهان.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن. (۱۴۳۰ق). درج الدرر. بیروت: دارالفکر.
- خواجهوی، محمد. (۱۳۶۹ش). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات مولی.
- حجتی، مهدی. (۱۳۸۴ش). گلی از بوستان خدا (ترجمه قرآن). قم: بخشایش.
- الحفناوی، محمدابراهیم. (۱۴۱۲ق). اثر الاجمال و البیان فی الفقه الاسلامی. مصر: دارالوفاء.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی. (بی تا). تفسیر روح البیان. بیروت: دارالفکر.
- خرم‌دل، مصطفی. (۱۳۸۴ش). تفسیر نور. تهران: انتشارات احسان.
- خسروانی، علیرضا. (۱۳۹۰ق). تفسیر خسروی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۵۲ش). لغت‌نامه. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- الراغب الاصفهانی، ابی القاسم. (۱۴۲۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- الرافعی، مصطفی. (۱۴۲۱ق). اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۳ش). ترجمه قرآن. قم: موسسه دارالذکر.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۱ش). منطق ترجمه قرآن، قم: نشر المصطفی.
- رهنما، زین‌العابدین. (۱۳۵۴ش). قرآن مجید با ترجمه و تفسیر. تهران: سازمان اوقاف.
- زحیلی، وهبه. (۱۴۱۱ق). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق: دارالفکر.
- سراج، رضا. (۱۳۹۰ق). ترجمه قرآن. تهران: سازمان چاپ دانشگاه.
- سلطان علی‌شاه، سلطان محمدبن حیدر. (۱۳۷۲ش). متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العباده. تهران: سر الاسرار.

- السیوطی، جلال الدین. (۱۳۸۲ش). الإیتقان فی علوم القرآن. تهران: امیر کبیر.
- شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳ش). تفسیر اثنی عشری. تهران: نشر میقات.
- شاه ولی الله، احمد بن عبدالرحیم. (بی تا). ترجمه قرآن دهلوی. سراوان: کتابفروشی نور.
- شعرانی، ابوالحسن. (۱۳۷۴ش). قرآن مجید با ترجمه. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- صادق نوبری، عبدالمجید. (۱۳۹۶ق). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات اقبال.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۸۸ش). ترجمان فرقان تفسیر مختصر قرآن کریم. قم: شکرانه.
- صفوی، محمدرضا. (۱۳۸۸ش). ترجمه قرآن بر اساس المیزان. قم: دفتر نشر معارف.
- صفی علی شاه، محمدحسن بن محمد باقر. (۱۳۷۸ش). تفسیر قرآن، تهران: منوچهری.
- صلواتی، محمود. (۱۳۸۷ش). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات مبارک.
- طاهری قزوینی، علی اکبر. (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن (طاهری). تهران: قلم.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان لعلوم القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۵۶ش). ترجمه تفسیر طبری. تهران: نشر توس.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۶۹ش). اظیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
- عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰ش). تفسیر عاملی. تهران: کتابفروشی صدوق.
- العک، خالد عبدالرحمن. (۱۴۱۴ق). اصول التفسیر و قواعد. بیروت: دارالنفائس.
- فارسی، جلال الدین. (۱۳۶۹ش). ترجمه قرآن (فارسی). تهران: انجام کتاب.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراء، یحیی بن زیاد. (۱۹۸۰م). معانی القرآن. مصر: الهیئه المصریه.
- فوادعبدالباقی، محمد. (۱۳۹۱ش). معجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. قم: نوید اسلام.
- فولادوند، محمدمهدی. (۱۴۱۸ق). ترجمه قرآن. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف.
- فیض الاسلام، سید علی نقی. (۱۳۸۸ق). قرآن عظیم با ترجمه. بی جا: بی نا.
- القیومی، احمد بن محمد. (۱۹۸۷م). المصباح المنیر. بیروت: انتشارات مکتبه لبنان.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸ش). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۵ش). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.

- کاویان پور، احمد. (۱۳۷۲ش). ترجمه قرآن. تهران: نشر اقبال.
- گرچی، ابوالقاسم. (۱۳۷۴ش). حقوق جزای عمومی اسلام. تهران: نشر داد.
- لاهیجی، محمدبن علی. (۱۳۷۳ش). تفسیر شریف لاهیجی. تهران: دفتر نشر داد.
- مترجم ناشناخته. (۱۳۸۳ش). ترجمه قرآن. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۵ش). ترجمه قرآن. قم: بوستان کتاب.
- مشکینی اردبیلی، علی. (۱۳۸۱ش). ترجمه قرآن. قم: نشر الهادی.
- مصاحب، غلامحسین. (۱۳۸۰ش). دائرة المعارف فارسی. تهران: امیرکبیر.
- مصباح زاده، عباس. (۱۳۸۰ش). ترجمه قرآن. تهران: بدرقه جاویدان.
- معزی، محمدکاظم. (۱۳۷۲ش). ترجمه قرآن. قم: اسوه.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۳۷۸ش). ترجمه تفسیر کاشف. قم: دفتر تبلیغات.
- مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳ش). ترجمه قرآن، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف.
- مکی عاملی، محمد(شهید اول). (۱۳۹۹ق). القوائد و الفوائد فی الفقه أو الاصول و العربیه، نجف: نشر عبدالهادی.
- موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۸۴ش). ترجمه قرآن. تهران: قدیانی.
- میبدی، احمدبن محمد. (۱۳۷۱ش). کشف الاسرار و عده الابرار. تهران: امیرکبیر.
- نسفی، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۶ق). مدارک التنزیل و حقائق التاویل، بیروت: دارالفنائس.
- نسفی، عمر بن محمد. (۱۳۷۶ش). تفسیر نسفی. تهران: انتشارات سروش.
- یاسری، محمود. (۱۴۱۵ق). ترجمه قرآن. قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع).

Arberry, A. (1998). The Koran. Oxford: Oxford University Press.

Irving, T. (1985). The Quran Translation, New York: International Publishing Co.

Pickthall, M. (2003). The meaning of the glorious Qur'an. Kuala Lumpur: Islamic Book Trust.

Qarai, A. (2005). The Quran. Qum: Islamic College for Advanced Studies.

Saffarzadeh, T. (۲۰۰۶) The Holy Quran. Tehran: Pars Ketab.

Sarwar, M. (1982). The holy Quran. Elmhurst, NY, USA: Islamic Seminary.

Shakir, M. (2009). al-Qur'an al-hakim. Qum: Ansariyan Publications.

Yusuf Ali, A. (2011). The Qur'an. Elmhurst, N.Y.: Tahrike Tarsile Qur'an Inc.